خبر

رئیس جمهور: عقب‌نشینی نمی‌کنیم

رئیس جمهور در بیست‌وچهارمین سفر استانی به چهارمحال‌وبختیاری در جمع اقشار مردم گفت: در شورای حکام علیه ایران قطعنامه وضع می‌کنند، این در حالی است که به نام خدا، به نام مردم ما یک قدم از مواضع خود عقب نشینی نخواهیم کرد چرا که تاکنون هرچند تعداد قطعنامه که صادر شده است موثر واقع نشده و راه به جایی نبرده است.

به گزارش جام جم، آیت‌ا... سیدابراهیم رئیسی تصریح کرد: ما در این جنگ اراده و فرهنگ سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را می‌پسندیم که می‌گفت ما می‌توانیم. فرهنگ ما می‌توانیم فرهنگ پیروز است.

دشمنان فکر نمی‌کردند ملت ایران به بسیاری از پیشرفت‌ها دست یابد. آنها نمی‌خواستند در منطقه پیروز شویم اما ملت ایران با این همه تحریم و تهدید گام‌های بلندی را در جهت استقلال و خودکفایی برداشت.

رئیسی تاکید کرد: دشمنان نمی‌خواستند جایگاه ایران جایگاه برتر باشد اما ناکام ماندند و یک‌بار دیگر هم آمدند تجربه کردند و با قلدری یونانی‌ها را تحریک کردند و کشتی ما را دزدیدند اما ملت ایران به آنها ثابت کرد دوران «بزن دررو» گذشته و در ازای یک کشتی، دو کشتی آنها توقیف شد. در نتیجه امروز شنیدید که یونانی‌ها اعلام کردند آن‌را مسترد خواهند کرد.

قطعنامه سیاسی برای بازی نمایشی

جام جم تلاش‌های آمریکا و ۳ کشور اروپایی علیه ایران در شورای حکام را بررسی می‌کند

مریم عاقلی
گروه سیاسی

استراتژی مرگ با هزار زخم می‌گوید با ترکیب اقدامات نظامی و دیپلماتیک، بازی را پیش ببر و بر حریف زخم بزن. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درحالی که پاییز پارسال به نشریه تایمز گفته بود ایران در پیشرفته‌ترین نقطه توانایی خود برای غنی‌سازی اورانیوم قرار دارد و ما توانایی مقابله با آن را نداریم، حالا ردپایش در صدور قطعنامه ضدایرانی از همه پررنگ‌تر است. این را رئیس‌جمهور هم گفته که قطعنامه جدید به تحریک اسرائیل بود، صهیونیست‌ها که تاب رویارویی مستقیم با ایران را ندارند می‌خواهند ایران را در جبهه‌های متعدد سیاسی، دیپلماتیک و نظامی تحت فشار قرار دهند. انگار آنارشیسم در روابط بین‌الملل همراه و هرسال به‌روزرسانی می‌شود و شکل جدیدی می‌گیرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از مدت‌ها رفت‌وآمد و دیدار با مسؤولان ایرانی و بازگشت با دست پر رافائل گروسی از تهران در همین بهار، حالا با بهانه‌های واهی، سبب صدور قطعنامه علیه ایران شد، درست مثل قطعنامه خرداد سال ۹۹. این یعنی آژانس هیچ تغییری در رفتار سیاست‌زده خود نداده و در هنوز بر همان پاشنه می‌چرخد.

دیدار دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با نفتالی بنت نخست وزیر اسرائیل

در ساعات پایانی چهارشنبه ۱۸ خرداد ماه، ورق دیگری از برنامه ضدایرانی رو شد. قطعنامه پیشنهادی سه کشور اروپایی عضو برجام یعنی آلمان، فرانسه و انگلیس به همراه آمریکا که به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخصوص برنامه هسته‌ای ایران ارائه شده بود با ۳۰ رای مثبت، دو رای منفی چین و روسیه و سه رای ممتنع لیبی، پاکستان و هند به تصویب رسید تا مذاکرات وین که از ۲۰ اسفند دچار وقفه شده بود، عملا با این اقدام وارد مرحله پیچیده‌ای شود. این قطعنامه پس از گزارش عجیب و پرسؤال رافائل گروسی، مدیرکل آژانس تهیه شد که البته کارگردانی آن هم در تل‌آویو بود، سفر بدون روتوش گروسی به اسرائیل و دیدار با نفتالی بنت. این دومین قطعنامه ضدایرانی است که پس از اجرایی شدن برجام با فشار رژیم صهیونیستی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صادر شده، چون دقیقا ۳۰ خرداد دو سال قبل هم قطعنامه مشابهی توسط سه کشور اروپایی عضو برجام با حمایت آمریکا پیشنهاد و تصویب شد.

گاوبندی نامشروع بر سر ایران

این تقلای آژانس برای نسبت دادن انحراف هسته‌ای به عملکرد ایران درحالی دنبال می‌شود که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکنون بارها از تاسیسات هسته‌ای ایران بازدید کرده‌اند اما هرگز مدرکی که نشان دهد برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای کشورمان به سمت مقاصد نظامی انحراف داشته، پیدا نکردند که اگر چنین بود نیازی نبود آژانس بین‌المللی با اسرائیل بر سر ایران گاوبندی کنند و در منافعی نامشروع با هم شریک شوند.

آلزایمر آقای گروسی

از هر طرف به این مناقشه نگاه کنید، غیرمنصفانه، علیه ایران و نشان دهنده آلزایمر آقای گروسی به‌عنوان تریبون صهیونیست‌هاست، برای بررسی این ادعا قدم به قدم به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت. گروسی در گزارش خود که پایه اولیه قطعنامه اخیر است، مدعی شده بود اورانیوم غنی شده ایران به ۱۸ برابر حد مجاز در برجام رسیده اما این حرف فقط دیدن یکطرفه وضعیت اجرای برجام است. گزارش رافائل گروسی یک بیانیه ناقص است که در آن به این مساله که آمریکا به صورت یکطرفه و غیرقانونی و برخلاف تعهدات برجامی از آن خارج شده و وظایف خود را انجام نداده، اشاره‌ای نشده است. گذشته از آن در این گزارش، اشاره نشده که ایران حدود دو سال با طرف اروپایی همراهی کرد ولی بعد از این‌که نتیجه نگرفت، متقابلا تعهدات برجامی خود را کاهش داد؛ یعنی یک واکنش طبیعی به بی‌تعهدی آمریکا، فهم این مساله اصلا سخت نیست اما آژانس باید اتود طرح ضدایرانی خود را پیش می‌برد. بررسی ابعاد این اتفاق پاسخ به ابهامات زیادی را روشن می‌کند.

چرا مکانیسم قطعنامه فعال شد؟

ظاهرا طرف‌های برجامی درصدد بودند تا ایران در مذاکرات وین از حقوق اصلی و حقه خود کوتاه بیاید اما وقتی با ابتکارعمل و پیشنهادهای چندبعدی ایران طرف شدند یا باید به تعهدات خود بازمی‌گشتند یا بازی جدیدی را علیه تهران در پیش می‌گرفتند که البته برنامه دوم را شروع کردند. آنها نمی‌خواستند مستقیما مذاکرات را نیمه‌تمام بگذارند پس باید هزینه آن را به ایران تحمیل و چهره ضدمذاکراتی در فضای بین‌الملل علیه ایران ترسیم می‌کردند، چون برجام به هرحال یک اهرم فشار برای آمریکاست و اگر این موضوع را از دست بدهد دیگر نمی‌تواند روی ایران فشاری بیاورد. بنابراین غرب به‌ویژه آمریکا به‌دلیل این‌که به‌دنبال بازگشت به برجام بدون پرداخت هرگونه هزینه بودند سعی کردند ایران را متهم به ناسازگاری با فضای مذاکرات نشان دهند و در چنین پارادایم و ذهنیتی، قطعنامه کاملا سیاسی آژانس صادر شد. حالا تصور کنید این سیاسی‌کاری چقدر غیرمنصفانه است چون ما فراتر از آن چیزی که حتی وظیفه داشتیم به آژانس دسترسی دادیم، به NPT پیوستیم و پروتکل الحاقی را تا قبل از قانون مجلس اجرا کردیم اما بازهم این آمریکا و تروئیکا بودند که به تعهدات خودشان عمل نکردند.

نبش قبر پرونده PMD

اتفاق دیگر، تکرار مکررات حوصله سربر مثل اقدام نظامی ایران در این ماجراست، چون بعد از گزارش مغرضانه آژانس، خبرگزاری رویترز در حالی می‌خواست برنده ایران‌هراسی باشد که به دروغ مدعی شد دلیل افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌سازی شده ایران، ساخت یک بمب اتمی بوده است! در اینجا کاری نداریم که آنها چطور کاهش تعهد غرب و خروج آمریکا را نمی‌بینند اما کاهش تعهد ایران را یک بحران بین‌المللی تصویرسازی می‌کنند، بحث مانکته مهمی است که تاریخ آن را روایت می‌کند. اگر خاطرتان باشد در سال ۲۰۱۵ و در جریان مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ توافقی صورت گرفت که ذیل آن پرونده PMD یا همان ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران، به‌طور کلی با گزارش نهایی یوکیا آمانو، مدیرکل وقت آژانس بسته و رسما اعلام شد ایران پس از سال ۲۰۰۹ میلادی هیچ‌گونه تلاش و اقدامی برای فعالیت‌های نظامی در جریان صنعت هسته‌ای خود نداشته است اما حالا این موضوع عملا نادیده گرفته شده و قطعنامه براساس گزارش مخدوش آژانس صادر شده‌است. البته ریشه این مناقشه به نوعی به سال ۹۷ هم بازمی‌گردد که آژانس به استناد برخی از همین ادعاهای رژیم صهیونیستی درخواست بازرسی از چند سایت را به ایران ارائه کرد که همان زمان سازمان انرژی اتمی اعلام کرد این درخواست برخلاف مواد پادمان و پروتکل الحاقی است و گفت آژانس موظف است دلایل نیاز به بازرسی از هر مکان را هم ارائه کند که همان وقت هم هیچ استدلال فنی و حقوقی ارائه نشد و در نهایت کار به قطعنامه خرداد ۹۹ کشید و حالا همان میزانسن دوباره تکرار شده و قطعنامه جدیدی این بار هم با استناد به ادعاهای اسرائیل، در خرداد ۱۴۰۱ تکرار شده با این تفاوت که آژانس در این چهار سال بازرسی‌های بسیاری انجام داد و دوربین‌های آن هم مشغول تصویربرداری مدام بودند. برچسب‌زنی آژانس چیزی جدا از مذاکرات وین نیست چون برجام پیوست آن است، آن هم برجامی که ما برای اعتمادسازی آن‌را پذیرفتیم و ایران در همین راستا قبول کرد حرکت هسته‌ای خود را کند نماید و حالا وضعیت مذاکراتی که از ۲۰ اسفند به درخواست غرب متوقف شده بود، بعید است با این شرایط از سر گرفته شود چون خیلی چیزها تغییر کرده‌است. دولت بایدن که خیلی مدعی تعامل دیپلماسی در برابر تهران بود و مدام ژست بازگشت به برجام می‌گرفت؛ یک قدم که برای این مسیر برنداشت، هیچ، بلکه تحریم‌های ضدایرانی هم سر از کنگره آمریکا درآورد و همزمان با رژیم صهیونیستی به تلاش‌های ضدایرانی سه کشور اروپایی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران پیوست. باید در روزهای آینده منتظر بود و دید سیاست پاسخ عملی تهران برای مذاکره در شرایط تحریم و قطعنامه چه خواهد بود؟

نکته

آب پاکی ایران روی دست آژانس

همه این مناقشات چند روز اخیر سبب شد محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان پاسخ جامعی به همه این روایت‌های مجعول بدهد، او گفته است: ما عملیات هیجانی ماجراجویانه انجام نمی‌دهیم. ما رسما اعلام کرده‌ایم برنامه هسته‌ای ما چیست و براساس اساسنامه آژانس این سازمان وظیفه دارد برای گسترش برنامه هسته‌ای به کشورها کمک کند اما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اسیر صهیونیست‌هاست. معاون رئیس‌جمهور آب پاکی را روی دست آژانس ریخته و گفته ما ضبط دوربین‌های برجامی را به‌عنوان باقیمانده حسن‌نیت نگه‌داشته بودیم ولی الان که اتهامات واهی و غیرقابل قبول مطرح شد، ما هم به فعالیت تعدادی از دوربین‌های فراپادمانی آژانس خاتمه دادیم و ماشین‌های سانتریفیوژ جدید را نصب و گازدهی را شروع کردیم.

یادداشت

پاسخ مناسب ایران به قطعنامه سیاسی شورای حکام

حسین آبنیکی
کارشناس مسائل هسته‌ای

تلاش‌های سیاسی آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی در شورای حکام به صدور قطعنامه‌ای از سوی این نهاد بین‌المللی علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران منجر شد. واقعیت آن است که رافائل گروسی، رئیس آژانس نقش مهمی در این فرآیند سیاسی بازی کرد. مدت‌هاست که در نگرش سیاسی بر عقلانیت در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حاکم است و رئیس آن هم بیش از این‌که به جنبه‌های فنی توجه کند در بازی‌های سیاسی آمریکا و غرب ورود پیدا کرده‌است. او پیش از تشکیل جلسه شورای حکام سفری به سرزمین‌های اشغالی داشته و مواضع خود را با مقامات رژیم اشغالگر قدس و اروپاییان هماهنگ کرده‌است. با این وصف باید گفت بهانه‌هایی که آژانس علیه فعالیت‌های انرژی هسته‌ای ایران مطرح کرده جدی نیست و همان حرف‌های تکراری است که از سوی دستگاه تبلیغاتی غرب و صهیونیسم مطرح شده‌است. این ادعاهای واهی مربوط به دو مرکز سابق هسته‌ای در داخل کشور است که نمونه‌برداری از وجود مواد هسته‌ای ناچیزی که در این دو مجموعه بوده در دو دهه پیش انجام شده و در حال حاضر این مراکز به فعالیت‌های صنعتی می‌پردازند و ایران درباره این نمونه‌های محدود از مواد هسته‌ای بارها توضیحات فنی، علمی، دقیق و شفافی را ارائه کرده‌است.

اگرچه قطعنامه ضدهسته‌ای شورای حکام صادر شده اما تردیدی نیست که هدف از صدور آن تحت تاثیر قراردادن مذاکرات احیای برجام است و غربی‌ها در پی آنند که از این مساله به‌عنوان یک ابزار فشار برای گرفتن امتیاز از ایران استفاده کنند و موضوع بی‌تعهدی خود درباره توافق هسته‌ای و برجام را تحت‌الشعاع قرار دهند. آنها حتی پیش از شروع مذاکرات وین هم با راه انداختن جنگ تبلیغاتی سعی در سیطره این فضای تبلیغاتی داشتند که ایران به توصیه‌های آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای بی‌توجه است. در نقطه مقابل اما جمهوری اسلامی ایران طی این مدت توانسته با همکاری‌های منطقه‌ای و تعامل با همسایگان گشایش‌های جدی در فضای اقتصادی کشور به‌ویژه در حوزه‌های بازار و صنعت ایجاد کند و طبعا صدور این قطعنامه هم تاثیری در عزم ایران برای ادامه سیاست جدیدش در حوزه دیپلماسی را نخواهد داشت.

اما در این حال باید گفت که صدور این قطعنامه تاثیرش را روی همکاری ایران و آژانس خواهد گذاشت. ما کشوری هستیم که شفاف‌ترین همکاری را با آژانس داشتیم و اسناد مرتبط را در اختیار آنها گذاشتیم و باز هم با شبهات و جوسازی از سوی مقامات آژانس روبه‌رو شدیم. از این‌رو، قطع‌یقین جمهوری اسلامی ایران متناسب با قطعنامه صادره شده از شورای حکام موضعگیری مناسبی را در مواجه با آژانس اتخاذ خواهد کرد.

دیدگاه

نقش انرژی هسته‌ای در رنسانس علمی ایران

ادامه از صفحه اول

- هدف‌گذاری ۱۰ هزار مگاوات برق جدید درحوزه برق هسته‌ای و ...
- پروژه تترا برای تولید رادیودارو و صادرات به کشورهای مختلف ازجمله هند و پاکستان، عراق و سوریه و برخی کشورهای اروپایی.

با توجه به مزایای بسیار چشمگیر انرژی هسته‌ای، امروزه لزوم دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز در تأمین امنیت کالاها و صنعت غیرنظامی و پیشرفت کشورها انکارناپذیر است.

امروز دشمن در دوگانه‌سازی‌های مذاکره و موشک، موشک و معیشت، برجام و نابرجام و انرژی هسته‌ای و معیشت، تلاش دارد نظام را مخالف مذاکره و توافق معرفی و با بهره‌گیری از روش‌های جنگ روانی ضرورت نداشتن موشک و برنامه انرژی هسته‌ای را در اذهان عمومی نهادینه و گشایش معیشتی و اقتصادی را در گرو هدایت هزینه‌های این دو بخش استراتژیک به سمت معیشت القا کند. این هکرهای سیاسی که افکارعمومی را هدف قرار داده‌اند به‌عنوان پادوهای عملیات روانی دشمن، جنگ در عصر فناوری هسته‌ای و تاثیرات مشهود و محسوس آن در زندگی فردی و اجتماعی هم دست از عصبیت جناحی برنداشته‌اند و در قرن ۲۱ استدلال مخالفان ملی‌شدن صنعت ملی نفت را درباره پروژه انرژی هسته‌ای تکرار می‌کنند. این مصداق عینی تحجر سیاسی و ارتجاع فکر است و ذیل عنوان تجددگرایی و دفاع از حقوق مردم صورت می‌گیرد. هدف این قلم به مزدهای سیاسی و رسانه‌ای این است که جامعه فهیم و آگاه ایران را با اغواگری و ایجاد دوگانه هسته‌ای معیشت به مواجهه با ظرفیت‌های استراتژیک ملی بکشانند.

مکث

فرامتن ادعای جدید حجاریان از چه چیزی سخن می‌گوید؟

از تعلیق هسته‌ای تا صفرنمایی دستاوردهای اخیر

یک روز بعد از قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، سعید حجاریان، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در اظهاراتی، پروژه هسته‌ای ایران را هزینه‌زا خواند و مدعی شد: «پروژه هسته‌ای هزینه‌زا و با دستاورد نزدیک به صفر بوده است؛ نه برقی ساخت و نه توان بازدارندگی به‌وجود آورد.» این موضوع با واکنش‌های زیادی در فضای مجازی مواجه شد و یکی از کاربران در پاسخ به این مطلب نوشت در پارادایم فکری که به ارث برده‌اید، نفت بوی تعفن می‌دهد؛ بحرین دختر خودتان است، دیگر مروارید ندارد و بهتر که شوهرش دادید، هرات سرزمین دوردستی است که سرکشی به آن دشوار است و باکو را دادید تا تبریز بماند، اروند را هم می‌خواستید بدهید که خمینی کبیر نگذاشت. پاسخ دیگری که یکی از کاربران به حجاریان داد، این بود که واقعیت دقیقا برعکس است، هیچ پروژه هسته‌ای در جهان به این اندازه تحت نظارت، دوربین و بازرسی نبوده است، یک به یک سانتریفیوژها و گرم به گرم اورانیوم ما مورد توافق قرار گرفته اما بایدن حاضر به توافق نیست. از این سد عاطفی بگذرید و باور کنید دموکرات‌ها شما را دوست ندارند.

اما واقعیت مساله این است پروژه هسته‌ای وقتی هزینه‌زا شد که دولت وقت در اواخر دهه ۷۰ در برابر دشمن کوتاه آمد و همین اصل که هزینه سازش بیشتر از مقاومت است، باعث شد هزینه‌های زیادی به این صنعت در کشور تحمیل شود، درنتیجه دولت خاتمی مجبور شد اواخر دوره دوم دولتش، صنعت تعطیل‌شده هسته‌ای را از سر بگیرد.

آغاز ساخت تاسیسات اصفهان، نطنز و اراک به اواخر سال ۱۳۷۸ بازمی‌گردد، وقتی که «شورای عالی فناوری‌های نوین» با پیش‌بینی بحران انرژی در دهه‌های آینده، بر لزوم میدان وسیع کاربرد دانش هسته‌ای در تمام علوم روز تاکید کرد. ایران همزمان با آغاز این فعالیت‌ها به خاطر عدم پذیرش پروتکل الحاقی تنها باید تاسیسات اصفهان را به آژانس اطلاع می‌داد که این کار را هم انجام داد اما فشارها باعث شد که محمد البرادعی، دبیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اسفند ۱۳۸۱ راهی تهران شود و تحت فشار واشنگتن برنامه هسته‌ای ایران را در دستور شورای حکام قرار دهد.

در تهران نگرانی‌ها نسبت به اتخاذ تصمیم صحیح در قبال قطعنامه شورای حکام، در بین مسؤولان بالا می‌گیرد تا درنهایت ۱۴ مهر سال ۸۲ با پیشنهاد سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور وقت، حسن روحانی مسؤول ارشد مذاکره‌کننده هسته‌ای می‌شود. از این دوره به بعد، چندین دوره مذاکره طرف ایرانی و طرف غربی انجام می‌شود اما پیش از مذاکرات تهران، چند اقدام اشتباه از سوی ایران صورت گرفت؛ نخست آن‌که تعدادی از نمایندگان اصلاح‌طلب طرح سه‌فوریتی را برای الزام دولت به پذیرش پروتکل الحاقی امضا کردند و خاتمی هم در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که تعلیق را می‌پذیریم. این مسائل قدرت چانه‌زنی ایران با غرب و توانایی بده‌بستان‌های دیپلمات‌های کشورمان را به‌شدت کاهش داد. به‌هرحال ماحصل مذاکرات تهران، توافقنامه بروکسل، پاریس، اجرای پروتکل الحاقی و تعلیق داوطلبانه همه فعالیت‌های هسته‌ای بود تا جایی که در روزهای پایان عمر دولت هشتم، رهبر معظم انقلاب در دیدار مسؤولان نظام تاکید کردند: «بایستی روند عقب‌نشینی متوقف و تبدیل به روند پیشروی شود، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب‌نشینی در آن دولت انجام گرفته بود». درنهایت در روزهای آخر دولت خاتمی، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته می‌شود و تصمیم بر این می‌شود که کارخانه یو.سی.اف اصفهان راه‌اندازی شود. اما شاید بهترین پاسخ به این ادعا را بتوانیم در سخنان رهبر انقلاب در سال ۹۴ مرور کنیم؛ «اتفاقا آمریکایی‌ها هم همین را گفتند! آمریکایی‌ها هم می‌گفتند ایران این‌همه نفت دارد، می‌خواهد چه کار کند انرژی هسته‌ای را؟ بنده گفتم خب ما امروز دست به سیاه‌وسفید انرژی هسته‌ای نزنیم، پس فردا که نفت‌مان تمام شد، آن وقت [باید] برویم انرژی هسته‌ای را گدایی کنیم از این و آن. خب بله دیگر؛ وقتی آنها داشته باشند، ما نداشته باشیم و احتیاج داشته باشیم، پدر ما را درمی‌آورند. دیدید سر این ۲۰ درصد چه کردند؟ ما به اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد احتیاج داشتیم برای این رآکتور تهران - همین رآکتور کوچکی که در تهران هست که داروهای هسته‌ای تولید می‌کند، داشت تمام می‌شد و گفتند چند ماه دیگر تمام می‌شود؛ یک ژستی گرفتند غربی‌ها، یک قیافه‌ای گرفتند، یک شروطی گذاشتند که واقعا خفت‌آور بود. البته آخرش به نفع ما تمام شد؛ یعنی جوان‌های ما وقتی دیدند که راجع‌به فروش ۲۰ درصد که بفروشند و پولش را بگیرند، ناز می‌کردند، وقتی دیدند اینها این‌جور دارند اذیت می‌کنند، درصدد برآمدند خودشان ۲۰ درصد را تولید کنند و تولید هم کردند.»

حاشیه نگاری

روایتی کوتاه از حاشیه اقامه نماز بر پیکر مرحوم دعایی توسط رهبر انقلاب

آقای دعایی هم حیف بود!

نماز میت تمام شده و مانند دیگر مراسم مشابه، اصحاب عزا، کمی دورتر از پیکر به صف ایستاده‌اند. آقا هم می‌روند سراغ‌شان برای تسلیت به نزدیکان آن مرحوم. «آرزویمان این است که سایه پدری شما روی سر همه ما باشد. ما فرزندان شما هستیم!» پسر مرحوم دعایی است که جلو آمده و اظهار ارادت می‌کند؛ هرچند در غیاب پدر، غم و اشک بر ذهن و روان و چهره‌اش سایه انداخته اما با همه اینها روبه‌روی آقا ایستاده و دارد از تمایل قلبی خود و سایر اطرافیان مرحوم به رهبر انقلاب می‌گوید: «[به] جز در این منزل [هم] جایی نمی‌رویم.»

واکنش آقا نشان می‌دهد این محبت قلبی، دوجانبه است و متقابل. «همین جور است. ما هم نسبت به شما همین احساس را داریم.» پیکر را عصر دوشنبه، ساعتی قبل از اذان مغرب، آورده بودند تا نماز آن مرحوم توسط خود آقا اقامه شود؛ پیچیده در کتیبه‌ای مشکی مزین به زیارت عاشورا و عرض ارادتی به آستان حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام. آقا جلوتر از همه، مقابل پیکر می‌ایستند به نماز و پشت‌سرشان هم سه ردیف آقا و خانم صف می‌بندند؛ اطرافیان و نزدیکان مرحوم هستند و طبیعی است که لابه‌لای ادای عبارات نماز یکی دو مرتبه‌ای هم بغضی بشکند و گریه و اشکی را هم روانه صورت کند.

همه اینها اما نظم و ترتیب نماز را به هم نمی‌زند. بعد از نماز هم اطرافیان و نزدیکان مرحوم به صف می‌ایستند و آقا هم می‌روند برای تسلیت. لابه‌لای ناراحتی و غم و گریه چند نفر، آقا مانند همیشه با لحنی که رنگی از انذار و هشدار دارد، تأکید می‌کنند این جداشدن‌ها رسم دنیاست. انگار مخاطب این حرف همه باشند، نه فقط خانواده مرحوم. «دنیا همین است. تعجبی ندارد. همه از هم جدا می‌شوند.»

پیشتر در برنامه‌هایی این‌چنین و در تسلای نزدیکانی که عزیز از دست داده بودند هم شبیه همین عبارات را از ایشان شنیده و خوانده بودم. حجم اندوه و غم هیچ‌وقت باعث‌نشده سنت لایتغیر الهی به حاشیه رانده شود. همه‌جا باید متذکر به سنت الهی شد. مرگ همان‌قدر سنت حضرت حق است که زندگی و حیات: «هر کسی از این مرحله زندگی این نشئه به نشئه بعد عبور خواهد کرد - همه عبور می‌کنند: من، شما، دیگران، همه؛ جوان، پیر- نوع عبورکردن مهم است... بالاخره از این مرحله و از این نشئه باید عبور کرد.» ۱۳/۱۰/۱۳۹۸. حالا هم دوباره منطق همان است و نگاه هم همان و جهان‌بینی هم همان: «دنیا همین است. تعجبی ندارد. همه از هم جدا می‌شوند.»

انگار که تذکر و ذکر سنت الهی و یاد خدا، فضا را کمی تلطیف کرده باشد. در چنین فضایی است که پسر مرحوم دعایی جلو می‌آید و عرض ارادتی می‌کند و جملات و عباراتی بر زبان می‌راند که در سطرهای ابتدایی متن شرحش رفت. ادامه گفت‌وگو را هم آقا در دست می‌گیرند خطاب به ده دوازده نفر از آقایان و تعداد کمتری از خانم‌هایی که عقب‌تر ایستاده‌اند. فضای سنگین غم و عزا، قدری تخفیف یافته است.

خطاب آقا هم خانوادگی و صمیمانه‌تر شده است. همین هم باعث می‌شود ناخودآگاه، جمعیت راهی باز کند تا خانم‌ها هم بیایند جلوتر. صدای آقا خطاب به نزدیکان آن مرحوم جاری می‌شود توی فضا: «شما... [نسبت] خانواده آقای دعایی با ما در بودن و نبودن ایشان تفاوتی ندارد. از دوستان ما هستید و به همه شما علاقه دارم.»

انگار که یاد نیک آن مرحوم دارد از ذهن همه می‌گذرد. آقا هم بعد از تأمل و مکثی کوتاه ادامه می‌دهند: «آقای دعایی هم حیف بود!» ادامه ماجرا هم تسلی به چند خانم چادری انتهای صف است. آقا به سمت‌شان می‌روند و مورد خطاب‌شان قرار می‌دهند: «از قول من به خانم والده هم تسلیت بگویید.»
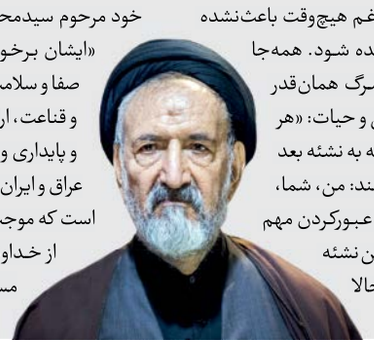
چیزی به مغرب و پر کشیدن صدای اذان در آسمان نیمه‌ابری پایتخت نمانده است. مرد ساده زیست رسانه و فرهنگ و سیاست ابتدای راه سفر ابدی خود قرار گرفته است؛ مردی که شبیه هیچ‌کس نبود جز خودش؛ از ساده‌زیستی‌اش گرفته که تا همین اواخر هم با پیکان سواری سفید این‌طرف و آن‌طرف می‌رفت تا سلامت نفس و زندگی که کسی را نمی‌توان یافت که منکرش باشد. روی همین حساب هم هر قدر کلمات و واژه‌ها و عبارات پیام تسلیت رهبر انقلاب را بالا و پایین می‌کنم، فرد دیگری را به‌جز خود مرحوم سیدمحمود دعایی درخور این عبارات نمی‌یابم: «ایشان برخوردار از صفات نیک و پسندیده‌ای بودند: صفا و سلامت نفس، فروتنی و ساده‌زیستی، پاکدستی و قناعت، ارادت عمیق و راسخ به امام بزرگوار و انقلاب و پایداری و وفا در دوستی و رفاقت. گذشته ایشان در عراق و ایران در دوران مبارزات هم فصل مشبع دیگری است که موجب رحمت و مغفرت الهی است ان‌شاءا... از خداوند متعال تفضلاتش را برای آن مرحوم مسألت می‌کنم.» ۱۴۰۱/۰۳/۱۶